اصلاح امور رفاهی انگلستان

طی چند سال اخیر راهی که در آن دولت رفاه‏ تحت لوای دولت جدید کارگری می‏رود که اصلاح‏ شود،ابعاد روشنتری به خود می‏گیرد.در راستای‏ خواسته دولت برای انجام چنین اصلاحاتی،کابینه‏ با موقعیتی مستحکم آغاز به کار کرد.اکثریت‏ بالای آن و هم‏چنین فقدان نسبی هر گونه مخالفی به‏ این منجر شد که کابینه جدید قادر به انجام‏ کارهایی باشد که کابینه محافظه‏کار قبلی حتی‏ قادر به اندیشیدن درباره آن‏ها نبوده است.دولت‏ کارگری هم‏چنین بیانیه‏ای سیاسی را به چاپ‏ رسانده که ناقض وضعیت مخالفان است و این‏ بدون بوجود آمدن هیچ مشکلی به انجام می‏رسد.

هم‏چنین دولت کارگری به ایجاد محیطی از نظرات که در آن اصلاح رفاه عمومی کشور ممکن‏ باشد،یاری می‏رساند.این بیان که‏"بهترین رفاه، ایجاد کار است‏"در ابعاد وسیعی پذیرفته شده و حتی تحسین نیز شده است ولی این در حالی است‏ که وزیر محافظه‏کار آن را با ریشخند خوشایند گفته است.

به هر حال کابینه کارگری مشکلاتی را در انجام‏ این امر،پیش رو دارد.در گذشته،انتخاب اولیه‏ هریت‏هارمن به‏عنوان وزیر کشور و فرانک‏فیلد وزیر بازسازی رفاه عمومی تصمیم خیلی‏ معقولانه‏ای نبوده است.وزیران قادر به انجام کارها با یکدیگر-در قالب یک گروه-نبودند و دیدگاه‏ کلی این است که ایشان در اثرگذاری بر مطبوعات‏ نیز،ناموفق بوده‏اند.بنابراین زمان ارزشمند زیادی‏ از دست رفت.

هر گونه بازسازی و اصلاح ساختارها شامل‏ یک عده برنده در طولانی مدت و هم‏چنین یک‏ عده بازنده در کوتاه مدت است.در این میان‏ نمی‏توان اعتراض آنان را که متحمل زیان‏های‏ کوتاه مدت شده،و هم‏چنین حامیانشان را،ندیده‏ گرفت و این خود در حالی است که از سوی دیگر، برندگان طولانی مدت-غالبا مالیات‏دهندگان- سکوت اختیار خواهند کرد.

وزیران کابینه کارگری هم‏چنین کاهش ناراحت‏ کننده‏ای را در خدمات شهری شاهد بودند.یک‏ مقام ارشد در زمینه خدمات شهری اخیرا اظهار داشت:«خدمات شهری به نحو مناسبی برای‏ دولتی تجهیز شده که امیدی به انجام هیچ کاری‏ نداشت.»کابینه کارگری خواهان انجام کارهایی‏ است و در قسمت‏هایی که به واقع خواهان انجام‏ کاری نیستند،خواهان بازنگری در آن‏ها هستند و این خود مستلزم کاهش خدمات شهری است.اما اینجا بی‏شک کوچکی وجود دارد که سازمان‏ تأمین اجتماعی در راستای انتظاراتی که بخاطر تصمیمات جدید سیاسی،بوجود آمده،شدیدا تحت فشار قرار گرفته است.این شک خود به‏ تنهایی برای محدود کردن آنچه می‏توان کرد کافی‏ است.

در طی تابستان،آلستردارلینگ نظراتی را از طریق خبرگزاری‏ها انتشار داد که می‏تواند نشاندهنده دیدگاه کلی او باشد.او اولین سخنرانی‏ رسمی خود را درباره بازسازی رفاه عمومی کشور در 19 اکتبر انجام داد.

نکته بسیار مهم ذکر شده توسط وی که در خلال گفته‏هایش به چشم می‏خورد این بود که: "هیچ فرد محقق یا ذی‏نفعی تحت تأثیر پیشنهاداتی‏ که من به پارلمان خواهم برد،قرار نخواهد گرفت و متضرر نخواهد شد."به بیان دیگر،هر چند که این‏ اصلاح دیررس فرا خواهد رسید اما تنها بر مدعیان‏ جدید اثر خواهد گذاشت این خود به تنهایی،حوزه‏ وسعت امر بازسازی را به‏طور اساسی کاهش‏ می‏دهد.

در آن سخنرانی،آقای دارلینگ سر نخی در مورد گوشه‏ای از آنچه که بدان می‏اندیشد را بدست‏ داد:مستمری بیوه‏ها.او گفت که طرح بازسازی‏ بدین صورت به تأمین بیوه‏ها کمک خواهد کرد، همسران قادر به دریافت کمک‏های فوری در قبال‏ فشارهای مالی که به ایشان وارد شده،خواهند بود.

باید زمان را در اختیار این گونه افراد قرار داد تا قادر به شکل‏دهی دوباره زندگی خود بعد از مرگ‏ همسرانشان باشند و هم‏چنین باید ایشان را به‏ همراه فرزندانشان که نیاز به حمایت‏های‏ طولانی مدت دارند،به رسمیت شناخت.آنچه به‏ نظر می‏رسد این است که مستمری بیوه‏ها بیشتر از یک دوره زمانی کوتاه به کسانی که فرزندانی را تحت کلفل ندارند،قابل پرداخت نخواهند بود و این کمک حتما شامل حال مستمری‏بگیران‏ جدیدی خواهد شد.

آقای دارلینگ به موقع بیانیه‏ای را در تاریخ 28 اکتبر به پارلمان ارائه داد.او در این بیانه برای‏ سومین بار مقدمه تضمین حداقل میزان مستمری‏ برای مستمری‏بگیران را مطرح کرده است.یکی از مهمترین مسائل مطرح شده این بوده که درباره‏ مستمری‏های مورد بحث لازم است که نشستی‏ برگزار شود تا در مورد اختیارات آنان در مقام‏ عمل بحث و تبادل نظر شود.

با دقت در مستمری از کارافتادگی این گونه به‏ نظر می‏رسد که شاید کمک‏های مقطعی بتوانند کمک‏های بزرگ‏تر و بهتری برای از کارافتادگان‏ باشد.آقای دارلینگ بیان داشت-همان گونه که‏ پیترلیلی پیش از او چنین کرده بود-که متأسفانه‏ تعداد افرادی که مدعی مستمری ناتوانی می‏باشند، در طی 20 سال اخیر 3 برابر شده،یعنی درست‏ زمانی که از سوی دیگر سلامت ملی تقویت‏ گشته است.

او اقداماتی را برای کاهش استفاده از مستمری‏ از کارافتادگان به‏عنوان یک کمک زود هنگام‏ بازنشستگی اعلام کرد،بخصوص از طریق آزمون‏ پرداخت مستمری‏های خصوصی و یا بیمه درمانی.

وی هم‏چنین اقداماتی برای تقویت حلقه‏های بین‏ تعداد افراد آماده برای کار و پرداخت مستمری‏ها را اعلام کرد.این سخنان منجر به تأثیرهایی هر چند اندک برای شرکت‏های بیمه خواهد شد.

بعدها در طی سال،به ما قول یک طرح‏ مقدماتی در خصوص مستمری داده شد.باید دید که‏ آیا این طرح از آنچه آقای دارلینگ در اظهارات‏ اخیرش بیان داشته اصلاح‏طلبانه‏تر است؟براستی‏ این امتحانی برای مشخص شدن عزم کابینه‏ کارگری در بوجود آوردن اصلاحات ضروری در راستای رفاه عمومی کشور خواهد بود.

منبع:.1998.4 Insurance Day.Now.

معامله سویس‏ری

به منظور رشد بیشتر در بازار امریکای لاتین، سویس‏ری خرید شرکت SA Mexioc Reaseguros Alianza را به مبلغ 102 میلیون دلار به انجام‏ رسانده است.کل دارایی شرکت مذکور (آلیانزا) 184 میلیون دلار تعیین گردیده و در سال 1997 رشد درآمد ناخالص حق بیمه آن 135 میلیون‏ دلار اعلام شده که 52 درصد این مبلغ توسط شرکت مکزیکو تعهد گردیده که این موفقیت، شرکت اخیر الذکر را بزرگترین شرکت بیمه اتکایی‏ داخل کشور کرده است.همچنین آلیانزا یک‏ شرکت فرعی در پاناما و دفاتری در کلمبیا و ونزوئلا دارد.

منبع: AON International Market Information. NEWSLETTER No.184.Oct.1998.P.8.